



بازنمایی جایگاه «امنیت انسانی» در سیره حکومتی امام علی (ع) بر مبنای فرامین حکومتی

محمدحسن الهی زاده^{*}

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۷/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۰۴

چکیده

امروزه مقوله «امنیت انسانی» مورد توجه سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی بوده و مصوبات فراوانی در این خصوص وجود دارد. گرچه تاکنون تعریف جامع و مورد اتفاق از امنیت انسانی ارائه نشده است، ولی همه صاحب‌نظران متفق‌اند که موضوع «امنیت انسانی»، در ارتباط میان حکومت‌ها و مردم بوده و حداقل دو پدیده «رهایی از ترس» و «رهایی از احتیاج» را شامل می‌شود. بر اساس آموزه‌های دین اسلام، انسان خلیفه خداوند در زمین بوده و از کرامت ذاتی برخوردار است. علاوه بر قرآن، در سیره نظری و عملی نبی مکرم اسلام (ص) و علی (ع) و سایر امامان همام (ع) به شأن و جایگاه والای انسان به‌ویژه تأمین امنیت او توجه شده است. با وجود آثار و پژوهش‌های متعدد و گوناگون در خصوص جایگاه انسان در نزد پیشوایان دین، تاکنون در موضوع «امنیت انسانی» پژوهشی صورت نگرفته است. از این‌رو در مقاله حاضر با هدف تبیین جایگاه «امنیت انسانی» در نزد حضرت علی (ع)، به بررسی این مقوله در سیره حکومتی (سه بعد توزیعی، رویه‌ای و مراوده‌ای) ایشان پرداخته شده است. اساسی‌ترین مأخذ در این زمینه نامه‌های امام (ع) به کارگزاران و مأموران حکومتی است که در نهج البلاغه و دیگر کتب تاریخی آمده است. برای دستیابی به این هدف، از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی بهره گرفته شده است. یافته پژوهش نشان می‌دهد که در فرامین حکومتی حضرت، تأمین «امنیت انسانی» زیرساخت و اساس هر نوع فعالیت پایدار حکومت است که موجب جلب اعتماد عمومی خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: امنیت انسانی، امام علی (ع)، سیره حکومتی، قدرت، رویه، مراوده.

۱. مقدمه

در زندگی بشر مقوله امنیت از جایگاه اساسی برخوردار است و تاریخ بشر آکنده از تلاش‌های او برای بدست آوردن یا حفظ آن است. امنیت مقوله‌ای است که در ابعاد مختلف (خصوصی، عمومی، ظاهری، باطنی و...) حیات بشری مورد توجه و نیاز بوده است. امروزه با عنایت به پیشرفت و توسعه دانش بشری، مقوله امنیت نیز توسعه و تنوع یافته و در ابعاد گوناگون مطرح نظر قرار گرفته است. «امنیت انسانی» یکی از آن ابعاد است که مقاله حاضر در صدد بازنمایی جایگاه آن در سیره حکومتی علی(ع) برآمده است.

۱-۱. بیان مسئله

مطابق آموزه‌های دین اسلام، انسان نسبت به سایر موجودات هستی ممتاز است. در قرآن کریم از او به‌عنوان خلیفه خداوند یاد شده و برخوردار از کرامت ذاتی معرفی شده است. علاوه بر قرآن، در سنت و سیره نظری و عملی نبی مکرم اسلام(ص) و امامان همام(ع) نیز، انسان جایگاه متعالی داشته و حفظ جایگاه و شأن او به همگان توصیه شده است. یکی از وجوهی که مربوط به این موجود والامقام است امنیت او به معنای عام است که «امنیت انسانی» به معنای خاص را نیز شامل می‌شود. امروزه «امنیت انسانی» از مباحث حائز اهمیت بوده و نه تنها مورد توجه سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی است، بلکه مصوبات بین‌المللی و جهانی فراوانی که دولت‌ها را ملزم به رعایت آن می‌کند، وجود دارد. گرچه تاکنون تعریف جامع و مورد اتفاقی از امنیت انسانی ارائه نشده است، ولی همه صاحب‌نظران در دو مسئله اتفاق نظر دارند. یکی اینکه موضوع «امنیت انسانی»، ارتباط به رابطه میان حکومت‌ها و مردم دارد و دوم اینکه حداقل دو پدیده «رهایی از ترس» و «رهایی از احتیاج» را شامل می‌شود؛ یعنی حکومت به‌گونه‌ای عمل کند که مردم از روی ترس و نیاز با حکومت در ارتباط نباشند.

تنها امام از امامان شیعه که در رأس حکومت قرار گرفت و به مدت چهار سال و نه ماه (۳۵-۴۰ هجری) بر جامعه اسلامی حکومت کرد و خوشبختانه امروزه مجموعه‌ای از بیانات و مکتوبات ایشان در اختیار محققان و پژوهشگران است، حضرت علی(ع) می‌باشد. از این رو سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که:

- مقوله «امنیت انسانی» در سیره حکومتی ایشان چه وضعیتی داشته است؟

سؤالات فرعی:

- جایگاه «امنیت انسانی» در فرامین حکومتی حضرت چگونه است؟

- راهکارهای تحقق «امنیت انسانی» از دیدگاه حضرت چگونه است؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

با توجه به جدید بودن بحث «امنیت انسانی» و نیز معنای خاص اصطلاحی آن، در کتب و آثار متقدمان اعم از تاریخ‌نگاران نظیر "وقعه‌الصفین" نصر بن مزاحم، "الجمل" مفید، "الغارات" ثقفی کوفی، "الفتوح" ابن اعثم و... یا آثار عالمان شیعی نظیر "الارشاد" مفید، "کشف الغمه" اربلی، "اعلام الوری" طبرسی و... یا شروح نهج‌البلاغه به‌ویژه "شرح نهج‌البلاغه" ابن ابی‌الحدید که به همراه بیان مطالب تاریخی است و سایر

آثاری از این قبیل که به نوعی به بیان و بررسی زندگانی و حکومت امام(ع) پرداخته‌اند حتی به صورت جزئی و موردی مقوله «امنیت انسانی» مورد بحث قرار نگرفته است. در آثار پژوهشی مربوط به سیره و زندگانی حضرت نیز با وجود حجم انبوه آثار در قالب کتاب و مقاله و نرم‌افزار به صورت مستقل به «امنیت انسانی» توجه نشده است. در آثار متعدد استاد دلشاد تهرانی، «دانشنامه علوی» استاد ری شهری و دیگر آثار متعلق به سایر پژوهشگران که به صورت موضوعی و با اسلوب علمی حیات سیاسی حضرت و نهج‌البلاغه را مورد کندوکاو قرار داده‌اند، بعضاً امنیت انسانی را به معنای عام مدنظر قرار داده و به اختصار مباحثی را مطرح کرده‌اند و هیچ‌کدام به مقوله «امنیت انسانی» نپرداخته‌اند. مقاله‌ای نیز با عنوان «مطالعه تطبیقی قواعد بنیادین حقوق بشردوستانه در «نهج‌البلاغه» و «گزارش قواعد عرفی حقوق بین‌المللی بشردوستانه» اثر ستار عزیزی در فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه به چاپ رسیده که به کلیاتی در خصوص مصوبات بین‌المللی اشاره کرده است. البته، کتاب «مختصات حکومت حق‌مدار» اثر دکتر پورعزت از جمله آثار پژوهشی است که از لحاظ روش برای پژوهش حاضر مفید بوده و در نحوه‌ی چینش مطالب، راهگشای نویسنده بوده است.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

تبیین ظرفیت بالای کیفی و کمی آموزه‌های اسلامی در خصوص مسائل اجتماعی و سیاسی به‌ویژه انسان و امنیت او، اهمیت بحث «امنیت انسانی» در جهان امروز، ضرورت آشنایی جامعه علمی با جایگاه امنیت انسانی و نگاه مترقیانه امام علی(ع) به انسان و امنیت او و سرانجام ارائه نمونه‌های عملی و کاربردی از دوران حکومت امام علی(ع) تحقیق و بررسی در این باره را ضرورت می‌بخشد.

۲. بحث

۲-۱. مفهوم‌شناسی «امنیت انسانی»

امروزه واژه «امنیت» در کاربرد عام به معنای رهایی از مخاطرات مختلف است. این واژه با عبارات زیر تعریف شده است: «شرایطی که در آن [یک موجود] در معرض خطر نبوده یا از خطر محافظت شود؛ ایمنی؛ رهایی از غم و غصه و تشویش و اضطراب؛ نبود خطر یا احساس ایمنی و دوری از آن» (کینگ و موری، ۱۳۸۳: ۷۸۳).

در باب اینکه هدف امنیت در جوامع چیست و اولویت با امنیت حکومت است یا امنیت مردم، دو نوع دیدگاه وجود دارد. دیدگاه‌های دولت‌محور و دیدگاه‌های مردم‌محور. در دیدگاه‌های دولت‌محور امنیت، هدف مرجع امنیت، دولت است اما در رهیافت‌های انسان‌محور، مردم هدف مرجع امنیت هستند. مقوله‌ی امنیت انسانی از نوع دوم است و به عبارتی، دیدگاه دولت‌محور را به چالش می‌طلبد و معتقد است، امنیت انسانی هدف است و دولت، ابزار تحقق و تأمین آن می‌باشد (کر، ۱۳۸۷: ۶۰۶). بر اساس این دیدگاه، لازمه امنیت این است که بقا، رفاه و کرامت فرد هدف غایی باشد و حکومت، سازمان‌های سیاسی و دموکراتیک و بازار در جایگاه دوم و وسیله‌ای برای نیل به این هدف غایی در نظر گرفته شود (تاج‌بخش، ۱۳۸۸: ۵۲). در این

دیدگاه، این ایده مورد تأکید قرار می‌گیرد که در مطالعات امنیتی، انسان‌ها باید مقدم بر دولت‌ها باشند و در کنار تهدیدات نظامی، تهدیدات غیرنظامی نیز دیده شوند (کینگ و موری، ۱۳۸۳: ۷۷۹).

در خصوص تعریف امنیت انسانی باید گفت، امنیت انسانی بر حمایت از افراد متمرکز بوده و بر دو پایه «رهایی از نیاز» و «رهایی از ترس» استوار شده است. گزارش کمیسیون امنیت انسانی سازمان ملل بر این عقیده است که تأمین امنیت انسانی به معنای حمایت از آزادی‌های اساسی و حمایت از کسانی است که در معرض خطر و در شرایط نابسامان قرار دارند. بر این اساس امنیت انسانی انواع گونه‌گون آزادی را به یکدیگر مرتبط می‌سازد و پیوند می‌زند: رهایی از نیاز، رهایی از ترس و آزادی برای اقدام بنا به خواست و سود خویش (یزدان‌فام، ۱۳۸۸: ۶). برخی علاوه بر رهایی از نیازمندی و رهایی از ترس، زندگی سربلند (پروگرامت) افراد را نیز در مفهوم امنیت انسانی گنجانده‌اند (تاج‌بخش، ۱۳۸۸: ۵۰).

امروزه امنیت انسانی از لحاظ معنایی دو حوزه را دربر می‌گیرد: حوزه‌ی اول، ایمنی و سلامت از تهدیدات مزمن و دیرینه‌ای چون گرسنگی، بیماری و سرکوب و حوزه‌ی دوم، در امان بودن از برهم خوردن ناگهانی الگوهای روزمره زندگی اعم از اینکه در خانه، محل کار یا جوامع باشد. بر این اساس می‌توان گفت تأمین امنیت انسانی مستلزم اتخاذ رهیافتی هفت‌بُعدی است که امنیت اقتصادی، غذایی، بهداشتی، زیست‌محیطی، شخصی، اجتماعی و سیاسی را مورد توجه قرار دهد (کر، ۱۳۸۷: ۶۰۲؛ کینگ و موری، ۱۳۸۳: ۷۷۹).

در خصوص گستره مفهومی امنیت انسانی، بین صاحب‌نظران اختلاف نظر وجود دارد. آنان در مورد نوع تهدیداتی که باید اولویت داده شود و امنیتی گردد، اتفاق نظر ندارند. از این‌رو، قائلین به امنیت انسانی را می‌توان به دو نحله فکری محدودنگر (مضیق) و گسترده‌نگر (موسّع) تقسیم کرد (کر، ۱۳۸۷: ۶۰۶).

تعریف قائلین به مکتب محدودنگر، از امنیت انسانی عبارت است از: «حفاظت افراد و اجتماعات از جنگ و دیگر اشکال خشونت» (کر، ۱۳۸۷: ۶۰۶) یا رهایی افراد از خشونت و ترس (یزدان‌فام، ۱۳۸۸: ۶). در نگاه مکاتب موسّع، امنیت انسانی معنایی فراتر از دل‌نگرانی از تهدید و خشونت دارد و منحصر در آزادی از ترس و هراس نیست، بلکه، آزادی از احتیاج نیز می‌باشد (کر، ۱۳۸۷: ۶۰۷) به معنای موسّع، مفهوم امنیت انسانی، امنیت غذایی، برخورداری از حمایت کافی، رهایی از فقر و رهایی از تهدید نسبت به شأن انسانی را شامل می‌شود. به عبارتی آنها بیش از اینکه در تعارض با یکدیگر باشند، مکمل همدیگر هستند (یزدان‌فام، ۱۳۸۸: ۶).

در حال حاضر سه مکتب در زمینه امنیت انسانی وجود دارند: مکتب اول (رتالیست‌ها و نورتالیست‌ها) امنیت انسانی را فاقد انضباط تحلیلی می‌دانند، بلکه معتقدند امنیت انسانی یک برنامه سیاسی است. از این‌رو امنیت انسانی را الگویی قابل‌پذیرش که ارزش مطالعه داشته باشد نمی‌دانند. مکتب دوم این مفهوم را می‌پذیرد ولی بر تحدید آن به مفهومی متمرکز بر رهایی از ترس و عوامل زنده نگه‌دارنده خشونت تأکید می‌کند. مکتب سوم تعریف گسترده‌تری را مدنظر دارد. در این مکتب رهایی از ترس، رهایی از نیازمندی و رهایی از بی‌حرمتی از اصول امنیت انسانی قلمداد شده است (تاج‌بخش، ۱۳۸۸: ۴۹).

درباره اهمیت امنیت می‌توان گفت رابطه بین امنیت حکومت و امنیت افراد رابطه‌ای مکمل و وابسته است و تقویت هر یک به تقویت دیگری منجر می‌شود. بدون وجود امنیت انسانی، امنیت حکومت هم دست‌نیافتنی است و بالعکس. از آنجا که تمرکز مفهوم امنیت انسانی بر رفاه و کرامت افراد است، تهدیدهایی که در این مقوله گنجانده می‌شوند مجموعه‌ای از خطرات مختلف و رابطه بین آنها را شامل می‌شود. خطراتی که امنیت انسانی را تهدید می‌کنند، می‌توانند عینی و ملموس باشند؛ مثل درآمد ناکافی، بیکاری فصلی، عدم دسترسی آسان به خدمات بهداشتی و آموزشی مناسب و غیره و یا ذهنی مانند عدم توانایی در کنترل سرنوشت خویش، بی‌حرمتی، ترس از جنایت و خشونت و غیره. این تهدیدات می‌توانند مستقیم بوده و به‌صورت هدفدار سازمان‌دهی شده باشند؛ مثل شکنجه نظام‌مند، یا غیرمستقیم بوده که یا حاصل اهمال کاری هستند یا دلیل ساختاری دارند مثل سرمایه‌گذاری ناکافی در بخش‌های کلیدی اجتماعی و اقتصادی همچون بهداشت و آموزش (تاج‌بخش، ۱۳۸۸: ۵۱).

۲-۲. جایگاه انسان در نظر علی (ع)

در خصوص ماهیت انسان در منابع اسلامی با سه اصطلاح: طبع، غریزه و فطرت مواجه هستیم؛ طبع متعلق به سرشت و وجه نباتی انسان است، غریزه متعلق به بعد حیوانی انسان است و فطرت متوجه بعد انسانی و حقیقی انسان است. انسان‌ها در نمو و رشد با نباتات مشابه‌اند و در غرایز با حیوانات شریک‌اند. قوانین طبیعی و غریزی در نباتات و حیوانات تقریباً اجباری و تخلف‌ناپذیر است. یک درخت نمی‌تواند از رشد بازایستد و تقسیم کار بین زنبورهای عسل نیز اجباری نیست؛ اما قانون طبیعی در بشر از منشأ دیگری سرچشمه می‌گیرد که بالاتر از سطح حیوانی اوست. منشأیی که در زبان دین از آن به فطرت تعبیر شده است. قائل شدن به فطرت می‌تواند نوع نگاه ما به انسان را عمیق‌تر کند. به هر میزان که انسان از طبایع و غرایزی که زمینه‌ی حقوق طبیعی مشترک او با سایر موجودات خلقت است فاصله می‌گیرد به همان میزان بر قدرت استقلال و آزادی او از قوانین طبیعی افزوده می‌شود. خداوند متعال واژه‌ی فطرت را برای بیان رابطه انسان و خود به کار برده است. بر اساس آموزه‌های دین اسلام آنچه به انسان کرامت ذاتی می‌دهد و او را از سایر موجودات ممتاز می‌کند، همان فطرت اوست. کرامت ذاتی انسان از بدو تولد با اوست، لکن او با انتخاب‌های خود این کرامت را حفظ می‌کند یا از دست می‌دهد (نمودار ۱).



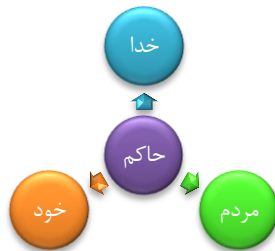
نمودار ۱: وجود انسانی

جایگاه انسان در سیره سیاسی علی(ع) تابعی از کرامت انسانی در قاموس اوست. به عبارت دقیق‌تر چون انسان نزد علی(ع) کرامت دارد، برای او حقوقی بر گردن خود به‌عنوان حاکم قائل است. علی(ع) معتقد است که حاکم ملزم به رعایت برابری، حفظ عزت نفس انسانی و تکریم و احترام به شخصیت انسان(علیخانی، ۱۳۷۷: ۲۱۹) در برخورد با مردم است. در نزد ایشان تمامی ابنای بشر در خلقت مساوی‌اند و به عبارت دقیق‌تر یا برادر دینی‌اند و یا همتای انسانی(نامه/۵۳).

در نزد ایشان، مناعت طبع و عزت نفس انسانی، از گوهرهای ارزشمند وجود انسان به شمار می‌رود. در قاموس حضرت، انسان‌ها نباید تحقیر شوند؛ نباید در جهالت و بی‌خبری بمانند؛ نباید بر آنها فخر فروخته شود و با ادبیات ارباب و رعیتی با آنان رفتار شود(نامه/۵۳). حضرت در انتقاد از نحوه استقبال مردم انبار در مسیر صفین فرمود: «به خدا که امیران شما از این کار سودی نبردند؛ و شما در دنیایتان خود را بدان به رنج می‌افکنید و در آخرتتان بدبخت می‌شوید و ...»(حکمت/۳۷) زیرا با کرامت انسان، ناسازگار است.

تکریم و احترام به شخصیت انسان و حفظ حرمت انسانی، جایگاه خاصی در سیاست‌گذاری‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حضرت علی(ع) داشت. ایشان حفظ حرمت انسانی را بر همه چیز مقدم می‌داشت و حتی حاضر به پرداخت بهای آن در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بود. به عبارت بهتر، حفظ حرمت و شخصیت انسانی، از برنامه‌های راهبردی امام علی(ع) در سیاست و حکومتش به شمار می‌رود و پایبندی به اصول انسانی و اخلاقی، در جزء جزء سیره و رفتار امام(ع) موج می‌زند. با این اوصاف می‌توان گفت رابطه علی(ع) با مردم حول این محورها دور می‌زند.

علاوه بر این، نکته مهم زیر را نیز باید مدنظر داشت که علی(ع) به‌عنوان حاکم اسلامی، رابطه خود با افراد تحت حکومت را در یک مجموعه‌ی سه‌بعدی می‌بیند. در نظر حضرت(ع) نوع رابطه حاکم با مردم با در نظر گرفتن دو نوع رابطه دیگر قابل‌تعریف است اول رابطه حاکم با خدا و دوم رابطه حاکم با خود(منطقی، ۱۳۸۷: ۵۳۹) (نمودار ۲).



نمودار ۲: روابط حاکم

دستورات حضرت در خصوص ارتباط با مردم بر دو محور اصول ایجابی (مثبت) و اصول سلبی (منفی) قابل دسته‌بندی است (جاوید، ۱۳۸۷: ۵۱۶-۵۱۸). فلسفه مدیریت در نزد علی(ع) بر اساس سعادت‌مند کردن مردم استوار است و نه سرکوب آنان و سخت‌گیری بر ایشان (بیضون، ۱۳۷۹: ۱۶۵). همچنین مدیریت در دیدگاه ایشان مبتنی بر اصل برقراری مساوات و برابری در توزیع ثروت میان مردم است (همان: ۱۶۶). در نزد علی(ع) در این دنیا زندگی بدون کرامت و شرافت انسانی نه فقط زندگی نیست، بلکه حتی از زندگی حیوانی هم پست‌تر است، زیرا بدیهی است که انسان فاقد کرامت و شرافت به جهت داشتن نیروها و استعدادهای متنوع می‌تواند اقدام به تخریب و نابودی کرامت و شرافت همه انسان‌ها نماید و برای اشباع خودخواهی‌هایش همه انسان‌ها را به خاک و خون کشد (مجیدی، ۱۳۸۶: ۱۵۱).

در ادامه با عنایت به تعاریف و مبانی تصویری فوق به بررسی جایگاه امنیت انسانی در سیره حکومتی علی(ع) می‌پردازیم. ناگفته پیداست با توجه به اینکه مباحث امنیت انسانی از مسائل جدید در جامعه بشری بوده، بحث و گفت‌وگو از این مباحث نسبتاً پیچیده و گسترده در دوره‌ای بیش از چهارده قرن پیش که شکل حکومت‌ها بسیط و ساده بوده و این تفکیک‌ها و دسته‌بندی‌های امروزی در عرصه رابطه میان حکومت‌ها و مردم وجود نداشته است، از یک‌طرف امری دشوار است و هنوز در سطح کشف مبنا و شرح معنا قرار دارد و از سوی دیگر گویای ظرفیت بالا و استعداد مفهوم آفرینی آموزه‌های اسلامی است.

۲-۳. امنیت انسانی در سیره حکومتی امام علی(ع)

از منظر دین اسلام، حقوق بشر، حقوق پایه و بنیادینی است که هر انسان از آن حیث که انسان است، فارغ از رنگ و نژاد و زبان و ملیت و جغرافیا و اوضاع و احوال متغیر اجتماعی یا میزان قابلیت و صلاحیت ممتاز و فردی و نیز هر عنوان عارضی دیگری، از خداوند دریافت کرده است (باقرزاده، ۱۳۸۷: ۴۵۸). مواردی نظیر حق حیات، حق داشتن آزادی، حق مالکیت فردی، حق داشتن امنیت، حق برخورداری از عدالت و برابری از حقوق بنیادینی است که در نهج البلاغه به آن پرداخته شده است.

در قاموس حضرت و با توجه به جایگاه انسان در جهان‌بینی ایشان، رابطه حاکم و مردم نه بر اساس ترس است و نه بر اساس نیاز بلکه بر اساس حق است. حضرت از اینکه مردمان از او بترسند یا تملقش کنند

بیزار است، چون ترس و تملق یا برای دفع ضرری است یا جلب منفعتی، که در هر دو صورت با کرامت انسانی همخوانی نداشته و زمینه‌ساز بی‌ایمانی می‌شود. حضرت چاپلوسی نزد حاکمان را ناپسند دانسته و خود را از آن بر حذر می‌داند: «از پست‌ترین حالات زمامداران در نزد صالحان این است که گمان برند، آن‌ها دوست‌دار ستایش‌اند و کشورداری آنان بر کبر و خودپسندی استوار باشد و خوش ندارم در خاطر شما بگذرد که من ستایش را دوست دارم و خواهان شنیدن آن می‌باشم» و در همین خطبه فرمود: «ولا تکلمونی کما تکلم به الجبارة...» (خطبه/۲۱۶). با من، آن‌سان که با جباران و ستمگران سخن می‌گویند، سخن مگوئید. مردم از نگاه امام همچون فرزندان معنوی حاکم‌اند که بر او لازم است بسان پدر و مادر نسبت به آنان تفقد و مهربانی ورزد: «...ثم تفقد من امورهم ما یتفقد الوالدان من ولدهما» (همان). چنان‌که والدین از فرزندان خود تفقد و سرکشی می‌کنند تو نیز نسبت به رعیت خود چنین باش. حاکم باید بال رحمت و مهر خود را بر ایشان بگسترد و میان ایشان حتی در نگاه کردن تبعیض قائل نشود (همان).

در نزد حضرت مردم چنان محترم هستند که زمام‌دار حق ندارد به خاطر تلاش و کوششی که برای اداره شئون آنان انجام می‌دهد بر ایشان منت نهد: «و ایاک و المنّ علی رعیتک باحسانک او التزید فیما کان من فعلک...» (همان) و کارگزاران باید همواره در خدمت مردم بوده و پاسخ‌گوی نیازهای آنان باشند و خود را در میان حجاب‌ها پنهان نسازند؛ تنها پیام‌رسان آنان به مردم، زبانشان و تنها حاجبشان چهره‌شان باشد (همان). حضرت یکی از مهم‌ترین اهداف و مأموریت حکومت اسلامی را تأمین امنیت شهروندان و مقابله با عوامل تهدید، تعرض به جان، مال، آبرو و ناموس آنان می‌داند و می‌فرماید «پروردگارا، تو می‌دانی که مطالبه و اقدام ما برای بدست آوردن حکومت، نه برای تلاش و رقابت در میدان سلطه‌گری بوده و نه برای خواستن زیادتی از مال دنیا، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش بازگردانیم و در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم، باشد که بندگان ستم‌دیده امن و امان یابند و آن کیفرها و احکام تو که از اجرا بازایستاده به جریان بیفتد» (خطبه/۱۳۱). «به‌وسیله زمامدار، حق ضعیف از قوی گرفته می‌شود تا نیکوکار راحت شود و مردم از شر تبهکاران در امان باشند» (خطبه/۴۰).

یکی از صاحب‌نظران، ویژگی‌های حکومت علوی را بر اساس مجموعه فرمان‌ها و عهدنامه‌ها و دستورالعمل‌های آمده در نهج‌البلاغه چنین برشمرده است:

- ۱- خود را به واقع خدمتگزار مردم دانستن.
- ۲- هدف وجودی خود را -در مسؤولیتی که دارد- برای مردم دیدن.
- ۳- مدارا کردن با مردم و ملایمت نمودن در برخورد با ایشان.
- ۴- به کار گرفتن بهترین کلمات و زیباترین عبارات در برخورد با مردم.
- ۵- داشتن روحیه‌ی استقبال در خدمتگزاری.
- ۶- انجام دادن امور و کارهای مردم با خوش‌اخلاقی و میل و علاقه.

- ۷- پذیرا بودن در شنیدن انتقاد و نصیحت مردم و استقبال از امر به معروف و نهی از منکر ایشان.
- ۸- پرهیز از هرگونه رفتار غیرانسانی و خلاف کرامت و عزت و حرمت مردم.
- ۹- پرحوصله بودن و بردبار بودن در برخورد با تقاضاها و نیازها و خواسته‌های مردم.
- ۱۰- پرهیز از حبس کارهای مردم.
- ۱۱- پرهیز از تأخیر در انجام دادن امور مردم.
- ۱۲- خوش‌رویی و گشاده‌رویی در برخورد با مردم.
- ۱۳- پرهیز از هرگونه تبعیض در انجام دادن امور و کارهای مردم.
- ۱۴- رعایت دقیق حقوق ارباب‌رجوع.
- ۱۵- پاسداری از عدالت و رعایت آن در رفتار با مردم و انجام دادن کارهای ایشان و به تأخیر نینداختن آنچه باید انجام شود.
- ۱۶- رعایت مساوات در آنچه باید پاس داشته شود.
- ۱۷- پیروی از قانون در رفتار با مردم و پرهیز از هرگونه خلاف و خلافکاری.
- ۱۸- پیگیری کارهای مردم در جهت انجام گرفتن خواسته‌های حق آنان.
- ۱۹- برخورد صادقانه با مردم و پرهیز از هرگونه فریب‌کاری، پنهان‌کاری و دروغ‌گویی (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۴۸۳-۴۸۴).

در این پژوهش، امنیت انسانی در نهج البلاغه در سه حوزه بررسی شده است: امنیت انسانی در توزیع قدرت و ثروت، امنیت انسانی در رویه حکومتی و امنیت انسانی در مراوده. هر سه نوع امنیت در نهج البلاغه بر محور حق قابل‌تعریف است (نمودار ۳). واژه حق در دیدگاه امام علی(ع)، با مجموعه متنوعی از معانی مرتبط است؛ نظیر سزا، تکلیف، حقیقت، واقعیت و تعهد. در این دیدگاه، حق تفسیر نسبی نمی‌پذیرد اما به‌طور نسبی تحقق می‌یابد. حق مفهومی ثابت دارد ولی به سبب سیر استعلایی انسان به‌سوی شناخت حق، به‌تدریج قابل اصلاح است. تفسیر و تبیین و تأویل حق بر عهده حجت بر حق است، اما انسان محدود می‌تواند در مسیری یادگیرنده، تکاملی و استعلایی به حقیقت آن نزدیک شود. حق در حکومت امام علی(ع) همان حکم خدا و سنت نبی(ص) است (پورعزت، ۱۳۸۷: ۲۱). در گفتمان حق‌محور حکومتی امام(ع) سزاوار نیست که در عرصه‌ی مالی آدمی اسیر فقر ایمان‌ستیز مالی گردد و در گرداب استضعاف فرو رود و نیز شایسته نیست که آن‌چنان به اقتصاد خویش بپردازد که از آخرت درماند و به این جهان فانی اکتفا نماید و بر همین اساس، سزاوار نیست که انسان در وضعیت ترس ایمان‌ستیز گرفتار آید و در باتلاق استضعاف باقی بماند و دیگر مردمان را بر سرنوشت خویش حاکم بیابد و نیز شایسته نیست که بر دیگران سلطه جوید و خود را حاکم بر سرنوشت دیگران معرفی نماید (همان: ۴۵ و ۶۱).



نمودار ۳: حوزه‌های عملکرد حکومت حق محور

به منظور دقت بیشتر و نیز جلوگیری از اطناب کلام، نامه‌های ۵ (خطاب به اشعث بن قیس کندی والی آذربایجان)، ۱۸ (خطاب به عبدالله بن عباس والی بصره)، ۲۵ (خطاب به مأموران مالیات)، ۲۷ (خطاب به محمد بن ابی‌بکر فرماندار مصر)، ۴۵ (خطاب به عثمان بن حنیف فرماندار بصره)، ۴۶ (خطاب به یکی از فرمانداران)، ۵۱ (نامه به کارگزاران بیت‌المال) و ۵۳ (خطاب به مالک اشتر نخعی) نهج‌البلاغه را که مستقیماً به امنیت انسانی پرداخته‌اند در سه حوزه فوق (توزیعی، رویه‌ای و مراوده‌ای) مورد بررسی قرار گرفته‌است. در مقاله حاضر، سعی بر آن بود که نقل مستقیمی از بیانات و نوشته‌های حضرت، جز در مواقع ضروری نیاید، اما زیبایی و رسایی بیان ایشان مانع از این شد و چه بسا این مسأله، کار را بر خوانندگان محترم آسان نماید.

۲-۳-۱. امنیت انسانی در توزیع قدرت و ثروت

حضرت به‌عنوان حاکم، در توزیع قدرت و ثروت «امنیت انسانی» را مدنظر قرار داده است و در نامه‌هایی که به کارگزاران خود نوشته است این مهم را یادآوری نموده است.

۲-۳-۱-۱. توجه به سلامت وجدانی و اخلاقی کارگزاران

ایشان در نامه به مالک اشتر (حاکم مصر) ویژگی‌هایی که کارگزاران و مأموران حکومتی مالک باید داشته باشند را چنین برمی‌شمارد:

- ۱- باتجربه باشند.
- ۲- باحیا باشند.
- ۳- از خاندان‌های اصیل و شریف باشند.
- ۴- پرهیزگار و خداترس باشند.
- ۵- خوش سابقه در مسلمانی باشند.

حضرت سبب این پیشنهاد را رعایت امنیت انسانی افراد جامعه عنوان می‌کند و می‌فرماید «زیرا اخلاق آنان گرامی‌تر و آبرویشان محفوظ‌تر و طمع‌ورزشان کم‌تر و آینده‌نگری آنان بیشتر است» (نامه/۵۳)؛ یعنی

هدف از دارا بودن این ویژگی‌ها فراهم شدن آرامش و آسایش مردم است که به‌نوعی امنیت انسانی آنان محسوب می‌شود.

۲-۳-۱-۲. یادآوری وظایف حکومتی به کارگزاران

حضرت به کارگزارانی که تخلف کرده‌اند یا بیم آن می‌رود که تخلف کنند امانت بودن حکومت را یادآور می‌شود و رعایت حقوق مردم را گوشزد می‌کند. در نامه ۵ نهج‌البلاغه خطاب به اشعث بن قیس حاکم آذربایجان می‌نویسد: «حکومتی که در دست توست شکار و طعمه نیست که به چنگت افتاده باشد، بلکه امانتی است بر گردن تو و باید به فرمان آن کس که فرادست توست، حق آن امانت را پاس داری و نگاهبان آن باشی. تو را نرسد که به استبداد و دلخواه خود در میان مردم رفتار کنی» (نامه/۵).

۲-۳-۱-۳. مکفی بودن حقوق کارگزاران

حضرت در خصوص توزیع ثروت به مالک پیشنهاد می‌کند به کارگزاران حقوق مکفی پرداخت کند و معتقد است کارگزاران با داشتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند و به بیت‌المال (اموال عمومی) دست‌درازی نمی‌کنند: «پس روزی کارکنان و کارمندان را فراخ دار که فراخی روزی نیرویشان دهد تا در پی اصلاح خود برآیند و بی‌نیازی‌شان بود تا دست به مالی که در اختیار دارند نگشایند و حجتی بود بر آنان اگر فرمانت را نپذیرفتند یا در امانتت خیانت ورزیدند» (نامه/۵۳).

۲-۳-۱-۴. اختصاص بخشی از درآمدهای عمومی به طبقات پایین و محروم

در خصوص تأمین امنیت انسانی در نحوه توزیع ثروت، حاکم را موظف به سرپرستی امور «طبقات پایین و محروم» جامعه می‌داند. حضرت در نامه به مالک اشتر توجه خاص به زمین‌گیران، نیازمندان، گرفتاران و دردمندان را لازم می‌شمارد و به مالک توصیه می‌کند از بیت‌المال بخش خاصی را به این گروه اختصاص دهد: «سپس خدا را! خدا را! در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه که هیچ چاره‌ای ندارند، از زمین‌گیران، نیازمندان، گرفتاران، دردمندان، همانا در این طبقه محروم گروهی خویشان داری نموده و گروهی به گدایی دست نیاز برمی‌دارند، پس برای خدا پاسدار حقی باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است، بخشی از بیت‌المال و بخشی از غله‌های زمین‌های غنیمی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص ده، زیرا برای دورترین مسلمانان همانند نزدیک‌ترینشان سهمی مساوی وجود دارد و تو مسئول رعایت آن می‌باشی» (نامه/۵۳).

۲-۳-۲. امنیت انسانی در رویه

۲-۳-۲-۱. برخورد مهربانانه، منصفانه و خویش‌دارانه با مردم

حضرت اصل و پایه‌ی مدیریت سیاسی خود را بر آرامش و امنیت جامعه استوار نموده است. حضرت معتقد است که حاکم باید فاصله‌ای بین خود و مردم ایجاد نکند و با آنان مهربانانه برخورد کند. در این خصوص به مالک می‌نویسد: «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبادا هرگز، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی» (نامه/۵۳).

ایشان در نامه ۵۱ خطاب به کارگزاران بیت‌المال، امنیت انسانی را مدنظر قرار داده و آنان را به رعایت انصاف با مردم سفارش کرده و از آنان می‌خواهد به‌عنوان نمایندگان ملت و مأموران حکومت در برآوردن نیازهای مردم شکیبایی پیشه کنند و از سخت‌گیری و خشونت و دست‌اندازی به اموال مردم خودداری نمایند: «در روابط خود با مردم انصاف داشته باشید و در برآوردن نیازهایشان شکیبا باشید؛ همانا خزانه‌داران مردم و نمایندگان ملت و سفیران پیشوایان هستید هرگز کسی را از نیازمندی او باز ندارید و از خواسته‌های مشروعش محروم نسازید و برای گرفتن مالیات از مردم، لباس‌های تابستانی و یا زمستانی و مرکب سواری و برده‌کاری او را نفروشید و برای گرفتن درهمی، کسی را با تازیانه نزنید و به مال کسی دست‌اندازی نکنید؛ جز اسب یا اسلحه‌ای که برای تجاوز به مسلمانان به‌کار گرفته می‌شود» (نامه/۵۱).

درباره نحوه برخورد با تخلف‌ها یا سرپیچی‌های مردم، کارگزاران را به خویشن‌داری و آسان‌گیری و بخشش و رعایت حال مردم دعوت می‌کند: «اگر گناهی از آنان سر می‌زند، یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود، یا خواسته و ناخواسته، اشتباهی مرتکب می‌گردند، آنان را ببخشای و بر آنان آسان گیر» (نامه/۵۳). در ادامه مواردی را برمی‌شمارد که زمینه‌ساز امنیت انسانی است و لازم است حاکم رعایت نماید:

۱- پشیمان نبودن از بخشش.

۲- شاد نبودن از کیفر کردن.

۳- عدم تصمیم‌گیری به هنگام خشم.

۴- عدم خودبزرگ‌بینی.

۵- رعایت انصاف با همگان و در همه حال.

۶- تفاوت گذاشتن بین نیکوکار و بدکار و پاداش دادنشان بر اساس عملشان (همان).

حضرت جلب اعتماد مردم را در «نیکوکاری به مردم و تخفیف مالیات و عدم اجبار مردم به کاری که دوست ندارند»، می‌داند و توصیه می‌نماید «در این راه آنقدر بکوش تا به وفاداری رعیت، خوش‌بین شوی» (همان).

حضرت عوامل اصلی موفقیت و خرسندی حاکمان را «برقراری عدل در شهرها و آشکار شدن محبت مردم نسبت به والی و خیرخواهی نسبت به آنان» می‌داند و تأکید می‌نماید در این صورت مردم «با رغبت و شوق پیرامون والی را گرفته و حکومت بار سنگینی را بر دوش رعیت نگذاشته باشد و طولانی شدن مدت زمامداری بر ملت ناگوار نباشد» (همان).

۲-۲-۳-۲. جلوگیری از خودخواهی و زیاده‌طلبی خویشان حاکم

حضرت در خصوص برخورد با خویشان و نزدیکان توصیه‌های مهمی دارد که در راستای تحقق امنیت انسانی است: «همانا زمامداران را خواص و نزدیکانی است که خودخواه و چپاولگرند و در معاملات انصاف ندارند، ریشه ستمکاریشان را با بریدن اسباب آن بخشکان و به هیچ‌کدام از اطرافیان و خویشاوندان زمین را واگذار مکن و به‌گونه‌ای با آنان رفتار کن که قراردادی به سودشان منعقد نگردد که به مردم زیان رساند، مانند آبیاری مزارع، یا زراعت مشترک، که هزینه‌های آن را بر دیگران تحمیل کنند» (همان).

۲-۳-۲. برقراری فضای صمیمانه توأم با درک متقابل بین حاکم و مردم

حضرت بر این باور است که فاصله و دوری بین حاکم و مردم نباید وجود داشته باشد و فضای صمیمانه با درک متقابل میانشان برقرار باشد. «هرگاه رعیت بر تو بدگمان گردد، افشاگری نموده عذر خویش را آشکارا در میان بگذارد و با این کار از بدگمانی نجاتشان ده، که این کار ریاضتی برای خودسازی تو و مهربانی کردن نسبت به رعیت است و این پوزش تو آنان را به حق وامی‌دارد» (همان).

در ادامه چهار امر مهم را به والی گوشزد می‌نماید «مبادا هرگز! با خدمت‌هایی که انجام دادی بر مردم منت‌گذاری، یا آنچه را انجام داده‌ای بزرگ بشماری، یا مردم را وعده‌ای داده، سپس خلف وعده نمایی... مبادا هرگز! در آنچه که با مردم مساوی هستی امتیازی خواهی» (همان).

۲-۳-۴. رسیدگی دقیق و سریع به درخواست‌های مردم به‌ویژه سالمندان و فرودستان

مسئولیت‌پذیری کارگزاران و انجام وظیفه نسبت به مردم همواره مورد توجه علی (ع) بوده و آنان را به رعایت آن توصیه می‌نماید. در این خصوص رعایت حال مردم و طبقات فرودست به‌ویژه فقرا، ایتام، مساکین و سالمندان را مورد تأکید قرار می‌دهد و انتظار دارد برای رسیدگی به امور این گروه، اشخاص لایق و مؤمن و متواضع را برگزینند و همواره شخصاً امور آنان را پیگیری نمایند: «مبادا سرمستی حکومت تو را از رسیدگی به آنان بازدارد، که هرگز انجام کارهای فراوان و مهم عذری برای ترک مسؤولیت‌های کوچک‌تر نخواهد بود، همواره در فکر مشکلات آنان باش و از آنان روی برمگردان، به‌ویژه امور کسانی را از آنان بیشتر رسیدگی کن که از کوچکی به چشم نمی‌آیند و دیگران آنان را کوچک می‌شمارند و کمتر به تو دسترسی دارند، برای این گروه، از افراد مورد اطمینان خود که خداترس و فروتنند انتخاب کن تا پیرامونشان تحقیق و مسائل آنان را به تو گزارش کنند. سپس در رفع مشکلاتشان به‌گونه‌ای عمل کن که در پیشگاه خدا عذری داشته باشی، زیرا این گروه، در میان رعیت بیشتر از دیگران به عدالت نیازمندند و حق آنان را به‌گونه‌ای بپرداز که در نزد خدا معذور باشی، از یتیمان خردسال و پیران سالخورده که راه چاره‌ای ندارند؛ و دست نیاز بر نمی‌دارند، پیوسته دل‌جویی کن که مسؤولیتی سنگین بر دوش زمامداران است. اگرچه حق، تمامش سنگین است اما خدا آن را بر مردمی آسان می‌کند که آخرت می‌طلبند، نفس را به شکیبایی وامی‌دارند و به وعده‌های پروردگار اطمینان دارند» (همان).

در ادامه، شخص مالک را به رسیدگی و دقت و سرعت در انجام کارهای مردم ترغیب می‌کند «بخشی از کارها به‌گونه‌ای است که خود باید انجام دهی، مانند پاسخ دادن به کارگزاران دولتی، در آنجا که مشیان تو از پاسخ دادن به آنها درمانده‌اند و دیگر، برآوردن نیاز مردم در همان روزی که به تو عرضه می‌دارند و یارانت در رفع نیاز آنان ناتوانند، کار هر روز را در همان روز انجام ده، زیرا هر روزی، کاری مخصوص به خود دارد» (همان).

۲-۳-۲-۵. رعایت امنیت روانی و حقوقی مردم در اخذ مالیات

حضرت در نامه به عبدالله بن عباس والی بصره رعایت امنیت روانی مردم را در نظر گرفته و برخورد نیک، توأم با مهربانی و صمیمیت نسبت به مردم را به او توصیه می‌نماید: «با مردم آن دیار به نیکی رفتار کن و گره وحشت را از دل‌های آنان بگشای» (نامه/۱۸).

نامه ۲۵ نهج البلاغه نمونه‌ی بارز توجه علی(ع) به امنیت روانی و حقوقی مردم تحت حکومتش است. در این نامه که خطاب به مأموران مالیات (زکات) است، نهایت دقت در رعایت امنیت و حقوق مردم در نحوه‌ی جمع‌آوری اموال متعلق به حکومت بیان شده است. در این فرمان ضمن رعایت حقوق مردم، حقوق حکومت نیز لحاظ شده است: «با ترس از خدایی که یکتاست و همتایی ندارد حرکت کن. در سر راه هیچ مسلمانی را نترسان، یا با زور از زمین او نگذر و افزون‌تر از حقوق الهی از او مگیر. هرگاه به آبادی رسیدی، در کنار آب فرود آی و وارد خانه کسی مشو، سپس با آرامش و وقار به سوی آنان حرکت کن تا در میانشان قرار گیری، به آنها سلام کن و در سلام و تعارف و مهربانی کوتاهی نکن. سپس می‌گویی: «ای بندگان خدا، مرا ولیّ خدا و جانشین او به سوی شما فرستاده تا حق خدا را که در اموال شماست تحویل گیرم، آیا در اموال شما حقی است که به نماینده او بپردازید» اگر کسی گفت: نه دیگر به او مراجعه نکن و اگر کسی پاسخ داد: آری، همراهش برو، بدون آن که او را بترسانی، یا تهدید کنی، یا به کار مشکلی وادار سازی، هر چه از طلا و نقره به تو رساند بردار و اگر دارای گوسفند یا شتر بود، بدون اجازه‌اش داخل مشو، که اکثر اموال از آن اوست. آنگاه که داخل شدی مانند اشخاص سلطه‌گر و سخت‌گیر رفتار نکن، حیوانی را رم مده و هراسان مکن و دامدار را مرنجان، حیوانات را به دو دسته تقسیم کن و صاحبش را اجازه ده که خود انتخاب کند، پس از انتخاب اعتراض نکن، سپس باقی مانده را به دو دسته تقسیم کن و صاحبش را اجازه ده که خود انتخاب کند و بر انتخاب او خرده مگیر، به همین‌گونه رفتار کن تا باقی‌مانده، حق خداوند باشد. اگر دامدار از این تقسیم و انتخاب پشیمان است و از تو درخواست گزینش دوباره دارد، همراهی کن، پس حیوانات را در هم کن و به دو دسته تقسیم نما، همانند آغاز کار تا حق خدا را از آن برگیری» (نامه/۲۵).

۲-۳-۲-۶. هماهنگی سطح رفاه حاکم با مردم عادی

حضرت همواره سطح رفاه و آسایش خود را در حد زندگی مردم عادی و طبقات فرودست نگه می‌داشت. در نامه‌ای، از عمل عثمان بن حنیف که در جلسه مهمانی پرهزینه‌ای شرکت کرده بود به شدت انتقاد کرد و او را مورد بازخواست قرار داد. ایشان در این نامه به نحوه‌ی زندگی خود اشاره کرده و انتظار دارد که حاکمان در این زمینه از او الگو بگیرند: «اگر بخواهم به عسل مصفا و مغز گندم و جامه‌های ابریشمین دست می‌یابم؛ ولی هیبهات که هوای نفس بر من غلبه یابد و آزمندی، مرا به گزینش طعام‌ها بکشاند و حال آنکه در حجاز یا در یمامه بینوایی باشد که به یافتن قرص نانی امید ندارد و هرگز مزه سیری را نچشیده باشد؛ یا شب هنگام با شکم انباشته از غذا سر بر بالین نهیم و در اطراف من شکم‌هایی گرسنه و جگرهایی تشنه باشند... آیا به همین رضایت دهم که مرا امیرالمؤمنین خوانند و در تلخی‌های روزگار با مردم شریک نگردم» (نامه/۴۵). این رویکرد امنیت انسانی را به ارمغان می‌آورد.

۲-۳-۳. امنیت انسانی در مراوده

بخشی از فرامین حضرت در حوزه‌ی امنیت انسانی به مراودات حاکمان با مردم برمی‌گردد.

۲-۳-۳-۱. توجه به عموم مردم در مراوده نه خواص

امام به مالک توصیه می‌کند در مراوده با مردم عموم را مدنظر قرار دهد نه خواص را و خواست عموم را بر خواست خواص ترجیح دهد. ایشان طی مقایسه‌ای بین عموم مردم و خواص جامعه، ثمرات توجه حاکم به درخواست‌های عموم را یادآور می‌شود. «همانا خشم عمومی مردم خشنودی خواص را از بین می‌برد، اما خشم خواص را خشنودی همگان بی‌اثر می‌کند. خواص جامعه همواره بار سنگینی را بر حکومت تحمیل می‌کنند زیرا در روزگار سختی یاریشان کمتر و در اجرای عدالت از همه ناراضی‌تر و در خواسته‌هایشان پافشارتر و در عطا و بخشش‌ها کم‌سپاس‌تر و به هنگام منع خواسته‌ها دیر عذر پذیرتر و در برابر مشکلات کم استقامت‌تر می‌باشند. در صورتی که ستون‌های استوار دین و اجتماعات پرشور مسلمین و نیروهای ذخیره دفاعی، عموم مردم می‌باشند، پس به آنها گرایش داشته و اشتیاق تو با آنان باشد» (نامه/۵۳).

۲-۳-۳-۲. دوری گزیدن از افراد سخن‌چین و عیب‌جو

حضرت توصیه می‌کند افراد عیب‌جو و سخن‌چین که ذهن والی را نسبت به امور و مردم کژ می‌کنند و با کارهای خود نهایتاً امنیت انسانی جامعه را به خطر می‌اندازند، از پیرامون خود دور کرده و در پذیرش سخنان آنان تأمل و درنگ نماید. حضرت در این خصوص، دستورالعملی به مالک می‌دهد «آنان که عیب‌جو ترند از خود دور کن، زیرا مردم عیوبی دارند که والی در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است، پس مبادا آنچه بر تو پنهان است آشکار گردانی و آنچه که هویداست بپوشانی... پس چندان که می‌توانی زشتی‌ها را بپوشان... در تصدیق سخن‌چین شتاب مکن، زیرا سخن‌چین گرچه در لباس اندرز دهنده ظاهر می‌شود اما خیانت‌کار است» (همان).

۲-۳-۳-۳. مراوده با انسان‌های راستگو، پرهیزگار و دانشمند

امام او را به مراوده با انسان‌های راستگو، پرهیزگار و دانشمندان و حکیمان ترغیب می‌کند و این کار را مایه آبادانی و اصلاح شهرها و برقراری نظم و قانون که بستر و مقدمه امنیت محسوب می‌شود می‌داند. «تا می‌توانی با پرهیزگاران و راستگویان بپیوند، ... با دانشمندان، فراوان گفتگو کن و با حکیمان فراوان بحث کن، که مایه آبادانی و اصلاح شهرها و برقراری نظم و قانونی است که در گذشته نیز وجود داشت» (همان).

۲-۳-۳-۴. تدارک زمانی معین جهت دیدار صمیمانه و مستقیم با مردم

حضرت در تقسیم اوقات حاکم به مالک توصیه می‌نماید «بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند تا شخصاً به امور آنان رسیدگی نمایی و در مجلس عمومی با آنان بنشین» در ادامه به صمیمانه بودن این دیدار و راحتی ارباب‌رجوع اشاره می‌کند «سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخنگوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو گفتگو کند، من از رسول خدا(ص) بارها شنیدم که می‌فرمود: «ملتی که حق ناتوانان را از زورمندان، بی‌اضطراب و بهانه‌ای باز نستاند، رستگار

نخواهد شد.» و از او می‌خواهد که در برخورد با آن‌ها سعه‌صدر و بزرگواری پیشه نماید «پس درستی و سخنان ناهموار آنان را بر خود هموار کن و تنگ‌خویی و خودبزرگ‌بینی را از خود دور ساز...»، از او می‌خواهد، این دیدار را با احترام و بزرگداشت مراجعان پایان دهد «آنچه به مردم می‌بخشی بر تو گوارا باشد و اگر چیزی را از کسی بازمی‌داری با مهربانی و پوزش خواهی همراه باشد» (همان).

۲-۳-۳-۵. مرآده مستمر با مردم

حضرت، نهان‌شدن حاکم از مردم را برای مدتی طولانی، یک آسیب دانسته و به ضرر شخص حاکم و جامعه می‌داند و معتقد است سبب بدبینی مردم نسبت به حاکم و ناامیدی آن‌ها از او می‌گردد: «هیچ‌گاه خود را فراوان از مردم پنهان مدار، که پنهان بودن والیان، نمونه‌ای از تنگ‌خویی و کم‌اطلاعی در امور جامعه می‌باشد. نهان شدن از رعیت، زمامداران را از دانستن آنچه بر آنان پوشیده است باز می‌دارد، پس کار بزرگ، اندک و کار اندک بزرگ جلوه می‌کند، زیبا زشت و زشت زیبا می‌نماید و باطل به لباس حق درآید، همانا زمامدار، آنچه را که مردم از او پوشیده دارند نمی‌داند و حق را نیز نشانه‌ای نباشد تا با آن راست از دروغ شناخته شود و تو به هر حال یکی از آن دو نفر می‌باشی؛ یا خود را برای جانبازی در راه حق آماده کردی پس نسبت به حق واجبی که باید بپردازی یا کار نیکی که باید انجام دهی ترسی نداری، پس چرا خود را پنهان می‌داری؟ و یا مردی بخیل و تنگ‌نظری، پس مردم چون تو را بنگرند مأیوس شده از درخواست کردن بازمانند. با اینکه بسیاری از نیازمندی‌های مردم رنجی برای تو نخواهد داشت، که شکایت از ستم دارند یا خواستار عدالتند، یا در خرید و فروش خواهان انصافند» (همان).

۲-۳-۳-۶. رعایت احترام و گشاده‌رویی در مرآده با مردم

حضرت در نامه‌های ۲۷ و ۴۶، خطاب به یکی از فرمانداران در خصوص نحوه‌ی مرآده با مردم عطوفت، گشاده‌رویی و فروتنی را در تمامی حالات توصیه می‌نماید: «پر و بال عطوفت را بر رعیت بگستر، با مردم گشاده‌روی و فروتن باش و در نگاه و اشاره‌ی چشم، در سلام کردن و اشاره کردن با همگان یکسان باش تا زورمندان در ستم تو طمع نکنند و ناتوانان از عدالت تو مأیوس نگردند (نامه/۲۷ و ۴۶).

۳. نتیجه‌گیری

۱- در حکومت علی(ع)، مردم هدف امنیت هستند نه دولت. به عبارت دقیق‌تر در دولت حق محور علی(ع) همه امور بر محور حق می‌چرخد؛ حق حاکم بر مردم و حق مردم بر حاکم. حق همان امانت الهی است که همگان باید آن را رعایت کنند. از مهم‌ترین حقوقی که بر اساس این قاموس بر عهده حکومت است، رعایت حق «امنیت انسانی» مردم است. اصول مهمه «امنیت انسانی» یعنی آزادی از ترس و آزادی از احتیاج در جای‌جای سیره سیاسی علی(ع) به چشم می‌خورد. در این میان آنچه بیش از پیش بر نویسنده روشن گردید این است که سیاستگذاری علی(ع) در مدیریت جامعه بر اساس اولویت داشتن جامعه بر حکومت است. توفیق حکومت بر اساس میزان رضایت‌مندی مردم سنجیده می‌شود. حکومت باید خود را خدمتگزار مردم بداند و تمامی اقشار به‌ویژه طبقات پایین را تحت پوشش امنیتی خود قرار دهد. از منظر علی(ع) حکومت

نهادی است که به منظور تسهیل در امور جاری زندگی مردم ایجاد شده و رسالت اصلی آن ایجاد زمینه‌های بروز شکوفایی و تعالی و رشد جامعه است. در این دیدگاه یکی از ابزارها و بسترهایی که این هدف را محقق می‌کند امنیت و آرامش جامعه است که برقراری آن بر عهده حکومت به‌عنوان بازوی قدرتمند و امنیت بخش نظام است.

۲- «امنیت انسانی» در فرامین حکومتی حضرت در سه حوزه توزیع قدرت و ثروت، رویه و مراوده، حالت محوری داشته است و می‌توان گفت یکی از اهداف اساسی که در این فرامین دنبال می‌شود تأمین «امنیت انسانی» است زیرا که به باور حضرت تأمین «امنیت انسانی» زیرساخت و پایه‌ی هر فعالیت پایدار حکومت است و تا اعتماد و اطمینان مردم نسبت به حکومت به وجود نیاید سیاست‌گذاری‌های حکومت به موفقیت نخواهد انجامید.

۳- اجرای دقیق احکام و فرامین دین اسلام در سه حوزه‌ی توزیع و رویه و مراوده، ناظر دانستن خداوند در تمامی امور و تلاش کارگزاران و مأموران در جهت جلب رضایت او و رعایت انصاف و عدالت نسبت به مردم در هر حالت، از مهم‌ترین راهکارهایی است که امام(ع) در فرامین حکومتی جهت تحقق «امنیت انسانی» ارائه می‌نماید.

منابع

- نهج البلاغه. (۱۳۸۵). گردآوری: سید محمد رضی. ترجمه: محمد دشتی. چاپ دوم، قم: گلستان ادب.
- باقرزاده، محمدرضا. (۱۳۸۷). «حقوق بنیادین بشر در عهدنامه مالک اشتر». **مجموعه مقالات همایش مالک اشتر نخعی**. ۴۵۷-۵۰۵. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- بیضون، ابراهیم. (۱۳۷۹). **رفتارشناسی امام علی در آیینه تاریخ**. ترجمه علی اصغر محمدی سیجانی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- تاجبخش، شهربانو. (۱۳۸۸). «امنیت انسانی: نگاهی به گذشته پیش از نگاه به آینده». **مجموعه مقالات همایش بین‌المللی امنیت انسانی در غرب آسیا: دیدگاه‌ها و نقدها**. ویراسته محمدرضا مجیدی و احمد خامسان. ۱۹-۵۴. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- کر، پاتولین. (۱۳۸۷). «امنیت انسانی». **فصلنامه مطالعات راهبردی**. سال یازدهم، شماره سوم، ۶۰۱-۶۲۶.
- پورعزت، علی اصغر. (۱۳۸۷). **مختصات حکومت حق مدار**. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- جاوید، محمدجواد. (۱۳۸۷). «از حق و عدالت تا انصاف با رعیت: تأملی بر حقوق شهروندی در عهدنامه مالک اشتر». **مجموعه مقالات همایش مالک اشتر نخعی**. ۵۰۷-۵۳۲. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۷۹). **دولت آفتاب**. تهران: دریا.
- عزیز، ستار. (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی قواعد بنیادین حقوق بشردوستانه در «نهج البلاغه» و «گزارش قواعد عرفی حقوق بین‌المللی بشردوستانه»». **فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه**. سال اول، شماره اول، ۸۵-۹۵.
- علیخانی، علی اکبر. (۱۳۷۷). «کرامت انسانی در سیره‌ی سیاسی امام علی (ع)». **فرهنگ**. شماره ۲۷ و ۲۸: ۲۱۵-۲۲۸.
- کینگ، گری و موری، کریستوفر. (۱۳۸۳). «بازاندیشی در امنیت انسانی»، ترجمه مرتضی بحرانی، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، شماره ۱، ۲۵-۲۶.
- مجیدی، اصغر. (۱۳۸۶). **حقوق مردم در گفتار و سیره امیرمؤمنان علی (ع)**. قم: مشهور.
- منطقی، محسن. (۱۳۸۷). «مدیریت ارتباطات در فرمان مالک اشتر». **مجموعه مقالات همایش مالک اشتر نخعی**. ۵۳۳-۵۶۱. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- یزدان‌فام، محمود. (۱۳۸۸). «دولت‌های شکننده و امنیت انسانی». **فصلنامه مطالعات راهبردی**. شماره چهارم، ۵-۳۶.